

*Bi-Quarterly specialized-
scholarly journal Of Quranic
Studies Light of Revelation Vol. ۱,
No. ۲,
Autumn & Winter ۲۰۱۵
P ۱۵۱ - ۱۷۴*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س ۱ ش ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۴
صفحات ۱۷۴ تا ۱۵۱

نقد آراء تفسیر علمی هارون یحیی

علی آقا صفری*

چکیده

برخی از مفسران و دانشمندان از دیرباز به تفسیر علمی قرآن کریم پرداخته و مطالب ارزنده‌ای ارائه نموده‌اند. از آنجاکه تفسیر قرآن و تفسیر علمی آن کار بسیار سخت و دشواری بوده، دیده می‌شود که مفسران در برداشت‌های تفسیری خود دچار افراط و تفریط شده و بعضاً نسبت‌های ناصواب به قرآن می‌دهند. مقاله در پیش رو سعی دارد با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، آراء تفسیر علمی هارون یحیی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد هارون یحیی در کتاب اعجاز قرآن خویش مباحث ارزشمند و مفید علمی را از قبیل: کروی بودن زمین، وزن ابرها، تناسب باران، ذرات اتم، عدم اختلاط دریاها، اضرار صحت گوشت خوک، حیات میکروسکوپی، سیستم ارتباطات مورچه‌ها، انقباض صدر در ارتفاعات، و... با تکیه بر آیات شریفه مطرح نموده است ولی با توجه به تخصص ایشان که (ادبیات، فلسفه، تاریخ) بوده، نتوانسته است بین اشارات علمی، شگفتی‌ها علمی، و اعجاز علمی، و نظریه پردازی‌های علمی قرآن کریم تفکیک نماید و یا اینکه برداشت‌های سطحی و بدیهی و در برخی از موارد غیر مرتبط با تفسیر علمی از آیات شریفه داشته است.

کلید واژگان: نقد، تفسیر، علم، آراء، هارون یحیی

* دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه (ص) مجتمع

آموزش عالی امام خمینی (ره)؛ مدرسه قرآن و حدیث

aliagha0840@safari@yahoo.com

مقدمه

تفسیر علمی در واقع نوعی گرایش فکری است که مفسر در صدد اثبات حقانیت قرآن کریم بوده و می‌خواهد از این طریق هم به عظمت و جایگاه قرآن کریم اشاره کند و هم اینکه علوم را به استخدام بگیرد تا قرآن کریم را بهتر فهم کند و به علوم نیز جهت بدهد. رشد تفسیر علمی در طول تاریخ تفسیر فراز و نشیب‌های داشته است که در نمودار تاریخ در پنج دوره قابل بررسی است.

۱. قرن اول تا دوم هجری: ریشه‌های تفسیر علمی در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) وجود داشته است و علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰) در بحارالانوار در مجلدات ۶۹ تا ۵۴ در بحث‌های مفصلی به نقل روایات علمی از ائمه معصومین علیهم‌السلام پرداخته است.
۲. قرن سوم تا قرن پنجم: از قرن سوم هجری با نهضت ترجمه و ورود مباحث علمی از سوی یونان به جهان اسلام این تفسیر به تدریج شروع به رشد کرد. بوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ هـ.ق) سعی در تطبیق هیئت بطلمیوسی با آیات قرآن داشت.
۳. قرن ششم هجری: این جریان با دانشمندانی از قبیل ابو حامد محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ هـ.ق) مواجه شد که طبق نظر وی تمام علوم در قرآن وجود دارد که البته این نظریه توسط دیگران به بوته نقد کشیده شد.
۴. قرن چهاردهم: تا این دوره نگرش جدیدی به این تفسیر اضافه نشد و مباحث رشد قابل ملاحظه‌ای نکردند. ولی حدود ۱۲۰ سال پیش با پیروزی اصالت حس در اروپا تفسیر علمی شروع به شکوفایی نمود. هم‌زمان با این موج، بحث تعارض علم و دین در اروپا به شکل جدی دنبال می‌شد و در نتیجه باعث عقب نشینی کتاب مقدس و پیدایش تفکرات الحادی شد. پیشرفت صنعتی غرب و هجوم افکار ضد دینی به کشورهای اسلامی باعث جذب جوانان مسلمان به فرهنگ غربی شد. ترجمه‌های علوم مختلف فیزیک، شیمی، پزشکی و کیهان‌شناسی به

جهان اسلام تأثیر خود را گذاشت و موجب شد مسلمانان بر انطباق این علوم تجربی جدید بر قرآن برآیند. در این میان بعضی افراط کرده و دچار تفسیر به رأی شدند این افراد معمولاً از دانشمندان علوم تجربی بودند که به خاطر علاقه به اسلام و قرآن، ولی بدون اطلاع از مبانی علمی تفسیر و معیار صحت و خطای برخورد با متن قرآن، دچار لغزش شدند. در نتیجه گروهی در مقابل این نوع تفسیر علمی موضع‌گیری کردند و آن را باطل شمردند. باین‌حال بسیاری از مفسران در ایران و مصر با تبیین مبانی تفسیر علمی بین انواع تفسیر و اهداف گویندگان فرق گذاشتند و قائل به تفصیل شدند. ایشان با توجه به سازگاری علم و دین در اسلام، برای نشان دادن عدم تعارض آیات قرآن با علوم جدید و اثبات اعجاز علمی اقدام به استخدام علوم در فهم قرآن کردند.

۵. قرن حاضر: در ۲۰ سال اخیر تفسیر علمی گام‌های مهمی در جهت‌دهی به مبانی علوم و نظریه پردازی‌های علمی و علوم میان‌رشته‌ای برداشته است از جمله قرآن و روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و غیره. در نتیجه تفسیر علمی یک جریان تفسیری ۱۴۰۰ ساله است که با تفسیر روایی هم گام بوده و ادوار مختلفی را با رشد و یا فترت پشت سر گذاشته است.^۱

تعریف تفسیر علمی

ابتدا باید معلوم شود که منظور از تفسیر علمی چیست؟ تا اینکه معلوم شود که آیا آقای هارون یحیی تفسیر علمی ارائه نموده است یا اینکه فقط ادعا کرده که برداشت‌های ایشان همان تفسیر علمی قرآن کریم است. در مورد مفهوم علم و تفسیر و تفسیر علمی، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. علامه طباطبایی در مورد تعریف تفسیر می‌گوید: «و هو بیان معانی الآيات القرآنية و الكشف عن مقاصدها و مداليلها»^۲ مقصود از تفسیر، فهم

۱. محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۱۷-۲۹.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴.

معانی و مقاصد آیات قرآن است و منظور از علم علوم تجربی است که به دو شاخه علوم طبیعی (همچون فیزیک، شیمی، پزشکی و کیهان‌شناسی) و علوم انسانی همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی تقسیم می‌شود اما صاحب‌نظران تعریف‌های متعددی در مورد تفسیر علمی ارائه کرده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: دکتر ذهبی در مورد تعریف تفسیر علمی می‌نویسد: مقصود ما از تفسیر علمی آن تفسیری است که اصطلاحات علمی را بر عبارات قرآن حاکم می‌داند و برای استخراج علوم مختلف و آرای فلسفی از آن تلاش می‌کند.^۱ البته ایشان تفسیر علمی را اعم از تفسیر فلسفی دانسته است در حالی که بنا بر تعریف مشهور این دو روش تفسیری از هم جداست و در اینجا علوم تجربی در برابر علوم عقلی (مثل فلسفه) مقصود است. همچنین ایشان به دو قسم از تفسیر علمی یعنی «تحمیل نظریه‌ها بر قرآن» و «استخراج علوم از قرآن» اشاره کرده است در حالی که قسم سومی از تفسیر علمی وجود دارد که همان «استخدام علوم در فهم قرآن» است. آقای امین الخولی در مورد تفسیر علمی می‌نویسد: «تفسیر علمی، تفسیری است که معتقد به آن در صدد استخراج علوم قدیم و جدید از قرآن است و قرآن را میدانی وسیع برای عرضه علوم فلسفی و انسانی در طب، تشریح، جراحی، فلک، ستاره‌شناسی و اصول علم صنعت و معدن می‌داند. و همچنین، آیات قرآن را دربردارنده‌ی تمامی این جهات می‌داند و اصطلاحات علمی را بر قرآن کریم حاکم می‌کند و تلاش بر استخراج این علوم از قرآن دارد»^۲ این تعریف نیز به دو قسم تفسیر علمی یعنی استخراج علوم از قرآن و تحمیل نظریات بر قرآن اشاره کرده است اما به قسم سوم یعنی استخدام علوم در فهم قرآن اشاره نکرده است؛ بنابراین اگر مراد از تفسیر علمی این باشد که درست نیست که قرآن کریم تفسیر علمی شود زیرا نه همه‌ای علوم در قرآن وجود دارد که بخواهیم آن‌ها را از قرآن کریم استخراج کنیم و نه تحمیل نظریات کار درستی است زیرا طبق روایات

۱. محمد حسین ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۷۴.

۲. امین الخولی، مناهج التجدید فی النحو و البلاغه و التفسیر و الادب، ص ۲۸۷.

پیامبر گرامی اسلام که می‌فرماید: «من فسر القرآن برأیه فأصاب لم یؤجر، و إن أخطأ کان إثمه علیه»^۱ بدترین عذاب در انتظار این دسته از افراد است. آقای راترود ویلانت نیز در دائره المعارف قرآن لیدن در مقاله «تفسیر قرآن در دوره جدید» در تعریف علمی بر استخراج از قرآن تأکید می‌کند و می‌نویسد: «تفسیر علمی باید در پرتو این فرض درک شود که تمام انواع یافته‌های (دستاوردهای) علوم طبیعی جدید در قرآن پیش‌بینی شده است و این که می‌توان قرائن و شواهد روشن بسیاری نسبت به آن‌ها در آیات قرآن کشف نمود یافته‌های علمی از کیهان‌شناسی کوپرنیکی گرفته تا خواص الکتروسیسته و از نظم و ترتیب انفعالات شیمیایی تا عوامل امراض عفونی همه از پیش در قرآن مورد تأیید قرار گرفته است. (Rotraud wiclandt, Exegesis of the Quran Modem and contemporary. In Encylopadia the Quran v:۲, pp. ۱۲۴-۱۴۱) و دکتر فهد نیز در تعریف تفسیر علمی می‌نویسد: «مراد از تفسیر علمی، اجتهاد مفسر در کشف ارتباط بین آیات وجودی قرآن کریم و اکتشافات علم تجربی است؛ به طوری که اعجاز قرآن آشکار شود و ثابت گردد که آن [از طرف خدا] صادر شده و صلاحیت برای همه زمان‌ها و مکان‌ها دارد.^۲ به نظر نگارنده تعریف اخیر دقیق‌تر به نظر می‌رسد و شایسته است که مفسر علوم جدید را به استخدام بگیرد تا قرآن کریم را بهتر فهم کند.

هارون یحیی

با توجه به اینکه طی دهه اخیر تفسیر علمی مورد اهتمام ویژه از سوی قرآن پژوهان قرار گرفته و کتب و مقالات زیادی نیز منتشر شده است نگارنده را بر آن داشت که آراء یکی از پژوهشگرهای قرآنی را به نام عدنان اکتار از کشور ترکیه و با نام مستعار هارون یحیی که در باره تفسیر علمی قرآن کریم زحمات زیادی کشیده و به اندازه توان خود مطالب ارزنده‌ای را به چاپ رسانده است، از دریچه نقد بنگرد و نقاط قوت و ضعف آن

^۱. سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۲.

^۲. فهدبن عبدالرحمان رومی، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، ج ۲، ص ۵۴۹.

را به بحث و بررسی گیرد. برای تحقق این منظور ابتدا شخصیت وی و آثار چاپ شده ایشان را ذکر نموده و بعد به نقد آراء ایشان پرداخته است. از آنجا که ارتباط مستقیم با هارون یحیی مقدر نبوده سرگذشت و آثار وی را از طریق وبسایت شخصی ایشان گردآوری نموده است.

الف: سرگذشت هارون یحیی

زندگی هارون یحیی طبق تقسیم‌بندی خود شامل سه مرحله است.

۱- دوران کودکی تا دبیرستان

Adnan Oktar «عدنان اکتار» یا همان «آدنان اوختار» تلفظ اخیر به لهجه ترکی نزدیک‌تر است - معروف به هارون یحیی، در سال ۱۹۵۶م. در خانواده‌ای متوسط و غیردینی در شهر آنکارا «انقره» دیده به جهان گشود. اجداد وی به خاطر جنگ، از ناحیه قفقاز (منطقه بین دریای خزر و دریای سیاه) به ترکیه مهاجرت کردند. او که در کودکی پدر خود را از دست داده، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خود گذراند و بعد از آن در سال ۱۹۷۷ وارد دانشکده هنرهای زیبای استانبول شد و رشته طراحی داخلی را برای ادامه تحصیل انتخاب کرد؛ اما بعد از مدتی تغییر رشته داد و به ادبیات، فلسفه و تاریخ روی آورد.

۲- دوران دانشگاه

در دوران دانشگاه، مدیریت تحت افکار مارکسیستی و ماتریالیسی بود، اما عدنان اکتار از همان موقع در مورد بی ارزشی تفکر داروینیزم و همچنین اعتقاد خود به «وجود خدای یگانه» با اطرافیان صحبت می‌کرد و به اذعان خودش، تنها کسی بود که در مسجد دانشگاه به صورت آشکار نماز می‌خواند، مطالعات وی در مورد فلسفه مکاتب مختلف از جمله مارکسیسم، لنینیسم، مائوئیسم، کمونیسم، و بیشتر از همه راجع به تئوری تکامل بود. تنها چیزی که در مورد فعالیت‌های دروان دانشگاه خود بیان کرده است، مربوط به تعدادی از تحقیقات و جلسات در دانشگاه بوده که تأثیر زیادی بر روی افراد دانشگاه گذاشته است.

۳- دوران پس از دانشگاه

عدنان اکتار در فعالیت‌های بعد از دانشگاه با الحاد و ضد خدایی و ماتریالیسم مبارزه نمود و می‌گفت: «من یکی از اعضای مردم ترکیه و از ملت ابراهیم ع هستم» وی تحت عنوان هارون یحیی هزاران کتاب نوشته است. از شاخص‌ترین مبارزات او، ایجاد چالش با مکتب داروینیسیم بود. در سال ۱۹۸۶م. با تکیه بر حقایق مربوط به «موجودات زنده» و «نظریه تکامل»، بطلان این نظریه را اعلام نمود و آن را «نیرنگ تکامل» نهاد. وی می‌گوید: «نظریه تکامل چیزی نیست مگر یک نیرنگ که از طرف قدرتمندان جهانی بر ما تحمیل شده است». عدنان اکتار انتقاد از ماهیت سازمان‌های فراماسونری جهانی را نیز در کارنامه دارد. مطالب علمی او علیه نظریه تکامل، در مجلات مختلف از جمله **national Geographic Scientist New Scientist NSCE Reports** چاپ شد. افزون بر این، لقب «قهرمان بین‌المللی» نیز در سال ۲۰۰ م. از طرف مجله **New Scientist** به او داده شد.

«اطلس آفرینش» (**the Atlas of Creation**) مهم‌ترین کتاب اکتار در سه جلد و در سال ۲۰۰۶م. (جلد اول) و ۲۰۰۷م. (مجلدات دوم و سوم) منتشر شد. این کتاب به ترکی استانبولی نوشته شده است و تاکنون به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، چینی، فرانسوی، ایتالیایی، اردو، هندی و روسی ترجمه شده است. جالب است بدانیم که تنها جلد اول این کتاب بیش از ۸۰۰ صفحه گلاسه است که بالغ بر ۵/۴ کیلوگرم وزن دارد. محتوای کتاب شامل عکس‌هایی از فسیل‌های چند میلیون ساله است که با عکس‌های جانوران امروزی مقایسه شده است. مؤلف با کنار هم قرار دادن این عکس‌ها در پی اثبات این مطلب است که «انواع زنده روی زمین، حتی کوچک‌ترین آن‌ها بدون تغییر مانده‌اند و گونه‌ای دیگر تکامل پیدا نکرده است». بنابراین، جهان امروز بر اثر «تکامل» به وجود نیامده است؛ بلکه خداوند آن را آفریده است. عدنان اکتار مدعی است که اصلی‌ترین اثر

انتشار کتاب مذکور، «ایمان به خداوند» بود؛ به طوری که در سال ۲۰۰۸م. واتیکان اعلام کرد باید از مسلمانان به خاطر بازگرداندن ایمان به خدا در مردم اروپا تشکر کرد.^۱

ب) آثار هارون یحیی

هارون یحیی آثار خود را در قالب‌های متفاوتی از جمله کتاب، سایت، سخنرانی، اجلاس، برنامه‌های تلویزیونی به شرح ذیل منتشر نموده است:

مجموعه آثار اکتار به ۵۵ هزار صفحه می‌رسد که نزدیک به ۴۰ هزار عکس دارد. این آثار به ۷۷ زبان دنیا ترجمه شده است. حدود ۱۰۰ میلیون با کتاب‌های وی در سراسر دنیا از سوی ناشران مختلف چاپ شده است. کتاب‌های وی، در کتاب‌فروشی‌های ۴۰ کشور موجود است. بیش از ۸۰۰ وب‌سایت به ۷۳ زبان در مورد هارون یحیی است. هر ماه بیش از ۲۰ میلیون از ۱۶۷ کشور دنیا از این وب‌سایت‌ها بازدید می‌کنند. ۶۵۰ هزار نفر روزانه از سایت خود هارون یحیی بازدید می‌کنند. تعداد بیش از ۲۵۰۰ کنفرانس در دانشگاه‌های مطرح از کانادا، استرالیا، انگلیس و... انجام داده است. برنامه‌های تلویزیونی وی به زبان ترکی در اینترنت ۱۵۰ تا ۱۹۰ هزار بیننده دارد. ویدئوها، برنامه‌های مستند، مقالات، کانال‌های رادیویی، مجلات نیز به صورت گسترده آثار وی را تبلیغ می‌کنند.

ج) آثار ترجمه شده هارون یحیی به زبان فارسی

کتاب‌هایی از هارون یحیی در ایران ترجمه و چاپ شده است که فهرست آن‌ها به شرح ذیل است. نگارش این آثار با توجه نوع مخاطب متفاوت است.

۱- اسرار آفرینش (راهی به سوی خداشناسی)، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۸.

۲- اعجاز قرآن (در پرتوساینس و تکنولوژی معاصر)، ترجمه محمد فرید آسمند، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا،

۳- اقوام هلاک شده، ترجمه مژگان دستوری، تهران، کیهان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

۴- برای خردمندان، ترجمه حسین صالح زاده، تهران، پژوهش تراب، آذر ۱۳۸۸.

^۱. برگرفته شده از وب سایت شخصی هارون یحیی، www.harunyahya.com

- ۵- بی زمانی و حقیقت سرنوشت (تقدیر چیست)، ترجمه ستار صحرايي، بی نا، بی جا، بی تا،
- ۶- جلوه های آفرینش (راهی به سوی خدا شناسی)، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- ۷- دنیای حیوانات (راهی به سوی خداشناسی)، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۲.
- ۸- دنیای شگفت‌انگیزی اطراف ما (راهی به سوی خداشناسی)، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۷.
- ۹- دنیای شگفت‌انگیزی بدن ما (راهی به سوی خداشناسی)، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۴.
- ۱۰- دنیای شگفت‌انگیز زنبور عسل، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، سروش، مهر ۱۳۸۴.
- ۱۱- سک های آبی، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۲- شکوه و عظمت آسمان‌ها، تهران، سروش، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۳- شگفتی‌های خلقت جانوران، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، چاپ ششم، ۴ جلد ۱۳۹۱.
- ۱۴- شناخت خدا از طریق برهان، ترجمه شهریاری جدی، دهلی نو، الرساله، بی تا.
- ۱۵- شوالیه های معبد، (مبانی نظری فراماسونری جهانی)، ترجمه فاطمه شفیعی سروسستانی، تهران، هلال، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- ۱۶- فراماسونری جهانی، ترجمه داوود میرترابی، بی جا، نشر المعی، چاپ پنجم ۱۳۹۱.
- ۱۷- قدرت تفکر (راهی به سوی آفرینش)، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
- ۱۸- الگوبرداری علوم از طبیعت، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۹۰.

۱۹- معجزات قرآن کریم، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، چاپ دوازدهم تراب، ۱۳۸۶.

د) هارون یحیی و چرایی تألیف و تصنیف

در اینکه هارون یحیی کتاب‌های زیادی را به نگارش درآورده است شک و تردید وجود ندارد، اما هدف و غرض اصلی‌اش چه بوده است خود می‌گوید: هدف آشنایی افراد غیرمسلمان با اسلام است. کتاب‌هایی که او در رابطه با علم نگاشته است بیشتر باهدف رد فرگشت، ماده‌گرایی و بی‌خدایی است. او بر این باور است که فرگشت وجود خدا و ارزش‌های اخلاقی را زیر سؤال می‌برد و به ترویج ماده‌گرایی و کمونیسم می‌انجامد. یحیی بر این باور است که داروین‌یسم الهام‌بخش نژادپرستی، نازیسم، کمونیسم، و تروریسم بوده است. این استدلال او مبنی بر شرایط ترکیه قبل از سال ۱۹۸۰ است که کتاب‌فروشی‌های کمونیست در ترکیه کتاب‌های داروین را به مشتریان کتاب‌های مارکس می‌دادند. دلیل موفقیت کتاب‌ها یحیی در ترکیه کیفیت بسیار بالای کاغذ چاپ، و تعداد بسیار بالای نقاشی‌ها و عکس‌های رنگی در این کتاب‌ها عنوان شده است. بسیاری از کتاب‌های او به فیلم‌هایی باکیفیت بسیار بالا تبدیل شده است و به‌صورت رایگان می‌توان آن‌ها را از اینترنت دانلود کرد.

ه) هارون یحیی و دفاع از اسلام در رسانه

یکی از برنامه‌های دائمی هارون یحیی، پخش زنده برنامه تلویزیونی از شبکه A۹ از ترکیه است که در سایت خود هارون یحیی به‌صورت اینترنتی قابل مشاهده است؛ و به‌طور هم‌زمان به انگلیسی ترجمه می‌شود. اما مع الاسف شدید آنچه در این برنامه تلویزیونی مشاهده می‌شود چیزی نیست؛ جز زنان معلوم‌الحال آن‌هم با آرایش‌های مبتذل، مستهجن و پوشش‌های نیمه‌عریان و حرکات تحریک‌آمیز و به‌دور از کتاب و سنت؛ و به‌ضرس قاطع می‌توان گفت هرکس کمترین اطلاع از اوامر و نواهی الهی داشته باشد به‌یقین اذعان خواهد کرد که آنچه را هارون یحیی در رسانه درصدد تبلیغ و ترویج آن هست مورد تأیید پیامبر گرامی اسلام نبوده و نخواهد بود.

(و) پیامدهای فعالیت‌های دینی وی

۱. دستگیری و زندانی شدن به مدت ۹ ماه در سلول انفرادی
۲. اتهام به عدم سلامت عقل، فرستادن وی به بیمارستان روانی و به مدت ۴۰ روز به تخت زنجیر شد. بعد از ۱۹ ماه، با نامه «هیچ موردی از بیماری گزارش نشد» مرخص شد!
۳. عدم ملاقات با خانواده و دوستان، تهدید ایشان به هرگونه ارتباط با عدنان اکتار طی دوران بیمارستان
۴. اتهام به قاچاق کوکائین و فرستادن وی به زندان در سال ۱۹۹۱.^۱

نقد نمونه‌های از تفسیر علمی هارون یحیی**۱. کروی بودن زمین**

هارون یحیی در مورد کروی بودن زمین به آیه شریفه‌ای «يُكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ»^۲ استناد می‌کند و در تفسیر این آیه شریفه می‌گوید: لغاتی که برای تشریح جهان در قرآن کریم به کاررفته است بسیار مهم‌اند. در این آیه شریفه لغت تکویر پیچاندن ترجمه می‌شود. مثلاً این لغت برای پیچاندن لنگی یا دستار به کاربرده می‌شود. معلومات این آیه در مورد پیچیده شدن روز و شب بالای یکدیگر شکل زمین را بیان می‌کند. این قضیه صرف در حالتی امکان‌پذیر است که زمین کروی باشد. قرآن کریم کروی بودن زمین را در قرن هفتم واضح ساخته بود. در حالی که علم نجوم آن وقت زمین را هموار فکر می‌کرد و تمام محاسبات علمی خود را به اساس سطح هموار انجام می‌داد؛ و بالاخره در عصر حاضر منجمین به این موضوع پی برند.^۳

بررسی و نقد

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ایشان برای اثبات کروی بودن زمین به آیه‌ای مرتبط به بحث اشاره نموده و تنها از معنای لغوی واژه «يُكْوَرُ» کروی بودن زمین را اثبات می‌کند

۱. برگرفته شده از وب سایت شخصی هارون یحیی، www.harunyahya.com

۲. زمر/۵

۳. اکتار عدنان، (هارون یحیی) اعجاز قرآن در پرتو ساینس و تکنالوژی معاصر، ص ۲۷-۲۸.

بدون اینکه به آیات دیگر و منابع دیگر استناد کند. به نظر می‌رسد این مقدار از بحث خیلی سطحی و ابتدایی بوده و از ظاهر آیه به دست می‌آید و نمی‌توان اسم آن را تفسیر علمی عمیق و دقیق گذاشت. بهتر بود که وی برای اثبات کروی بودن زمین بحث را به این شکل ارائه می‌کرد:

از آیات متعدد قرآن کریم می‌توان استفاده نمود که زمین کروی بوده و ادعای مسطح بودن آن پوچ و بی‌معنا است و قرآن کریم این مطلب را در زمانی گفته است که اندیشمندان آن قرن قائل به هموار بودن زمین بوده‌اند و این حکایت از اعجاز علمی قرآن کریم دارد. در ذیل به برخی از آیاتی که با کروی بودن زمین هماهنگ و سازگار می‌باشند اشاره می‌شود.

۱. آیه اول: «يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا»^۱ شب را در روز می‌پوشاند و روز شبانان آن را می‌طلبد. این آیه می‌فهماند که شب فراگیر روز است. یعنی همه آن مکان‌هایی را که روز بود شب فرامی‌گیرد و اگر زمین کروی نبود صحیح نبود بگوییم دائماً شب روز را فرا می‌گیرد و آن را دنبال می‌کند، زیرا در این صورت چند ساعتی شب به دنبال روز می‌بود؛ و چون به انتهای سطح زمین می‌رسیدند، روز بر می‌گشت و شب را دنبال می‌کرد. به عبارتی دیگر: در هر روزی یک روز شب به دنبال روز می‌رفت و روز دیگر، روز به دنبال شب، پس اینکه قرآن به‌طور مطلق فرمود: شب به دنبال روز می‌رود جز با کروی بودن زمین درست در نمی‌آید.^۲

۲. آیه دوم: «...يُكْوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكْوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ...»^۳ شب را بر روز داخل می‌کند و روز را بر شب.

۱. اعراف/۵۴

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۵۰.

۳. زمر/۵

در تفسیر این آیه آمده است: اگر انسانی بیرون کره زمین ایستاده باشد و به منظره حرکت وضعی زمین به دور خودش و پیدایش شب و روز برگرد آن نگاه کند، می بیند که گویی به طور مرتب از یک سو نوار سیاه رنگ شب بر روشنایی روز پیچیده می شود و از سوی دیگر نوار سفید رنگ روز بر سیاهی شب و با توجه به اینکه «يَكْوَرُ» از ماده «تکویر» به معنی پیچیدن است ... نکته لطیفی که در این تعبیر قرآنی، نهفته است روشن می شود که زمین کروی است و به دور خود گردش می کند و بر اثر این گردش، نوار سیاه شب و نوار سفید روز، دائماً گرد آن می گردند، گویی از یک سو نوار سفید بر سیاه و از سوی دیگر نوار سیاه بر سفید پیچیده می شود.^۱

۳. آیه سوم: «فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ»^۲ پس سوگند به پروردگار مشرق ها و مغرب ها که ما تواناییم. سید هبه الدین شهرستانی در تفسیر این آیه آورده است: «این آیه دلالت دارد بر کثرت مشرق ها و مغرب ها و کروییت زمین نیز مستلزم آن است که در هر نقطه از زمین برای گروهی دیگر مغرب باشد. پس کثرت مشرق و مغارب با قول به کروییت زمین سازگار می باشد.»^۳ توضیح اینکه اگر زمین مسطح بود تنها یک مشرق و مغرب وجود داشت ولی جایی که زمین کروی باشد لازم است دارای مشرق ها و مغرب ها باشد چرا که در این صورت با چرخش مشرق و مغرب مکان ها تفاوت می کند.^۴

۴. آیه چهارم: «وإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ»^۵ و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است برخی از نویسندگان معاصر با توجه به این آیه و نیز آیات ۱۳۷ سوره اعراف و ۵ سوره صافات و ۴۰ سوره معارج را دلیل کروییت زمین از نظر

۱. ناصر مکارم شیرازی، و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۳-۱۴.

۲. معارج/ ۴

۳. محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۱۸۸-۱۸۹.

۴. ناصر مکارم شیرازی، و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۳-۱۴.

۵. غاشیه/ ۲۰

قرآن می‌دانند و آن را یکی از معجزات علمی قرآن تلقی می‌کنند و می‌نویسند: مسطح بودن زمین، مانع کرویت آن نمی‌شود چراکه هر کره‌ای برای خود سطحی نیز دارد و از این روست که در هندسه کره را یکی از اقسام سطح به شمار می‌آورند؛ و توضیح می‌دهد که مسطح بودن به معنای مقابل کروی، یک اصطلاح هندسی جدید است و مقصود از «سطحت» در آیه گسترش است.^۱

نتیجه اینکه: قرآن نه تنها زمین را مسطح (در مقابل کروی بودن) نمی‌داند بلکه آیات زیادی وجود دارد که با کرویت زمین کاملاً سازگار می‌باشند.

۲. آفرینش ازواج

یکی دیگر از تفسیرهای علمی هارون یحیی مسئله آفرینش ازواج است که ایشان با تمسک به آیه شریفه «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ»^۲ می‌گوید: زوج یا جفت به معنای زن و مرد مستعمل بوده در حالی که در مورد سایر چیزهاییکه مردم نمی‌دانستند، این کلمه معنی وسیع‌تری دارد. واقعاً در آن وقت صرف یک معنی این کلمه دانسته شده بود. فیزیکدان انگلیسی به نام پال دیرک با کشف اینکه ماده به قسم جفت آفریده شده، در سال ۱۹۳۳ میلادی جایزه نوبل را نصیب گردید. او پدیده‌ی زوجیت دوگانگی یعنی ماده و ضد ماده دارای خصوصیات مخالف را آشکار ساخت. مثلاً ضد ماده برای الکترون مثبت و برای پروتون منفی می‌باشد. هر ذره، ذره مخالف خود را که حاوی جارج های مخالف است، دارا می‌باشد. نظریه (uncertainty Rotation) می‌گوید که همه جا و همه وقت خلقت جفت‌ها و نیستی جفت‌ها در خلأ واقع می‌شود. مثال دیگر جفت‌ها نباتات‌اند، نباتات شناسان صدسال قبل تفاوت جنسی

۱. ر.ک: گودرزی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۲۸ - ۳۰؛ امین، احمد، کتاب راه تکامل، ج ۷، ص ۱۴۵؛ ماهنامه مکتب الاسلام، سال ۱۲، ش ۱۱؛ نیازمند، یدالله، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، ص ۱۸۹، به نقل از: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رضایی، ص ۱۹۰.

۲. یس/۳۶

را در نباتات دریافته بودند. در حالی که الله (ج) چهارده صدسال قبل این موضوع را بیان کرده بود.^۱ «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ»^۲

بررسی و نقد

در اینکه قرآن کریم در آیات متعدد به مسئله زوجیت همه‌ای اشیا قبل از اینکه اندیشه بشری بدان مرحله برسد، اشاره کرده است هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد و تفسیر ارائه شده توسط هارون یحیی صحیح است اما بهتر بود که ایشان این مسئله را بیشتر بازش می‌کردند و می‌گفتند اینکه قرآن کریم در سور رعد آیه ۳، شعرا آیه ۷، یس آیه ۳۶، ذاریات آیه ۴۹، اعراف آیه ۱۴۹ به قانون زوجیت میوه‌ها، گیاهان، زوجیت همه اشیا جهان اشاره می‌کند این است که انسان اندیشه خود را به کار اندازد و نشانه‌های الهی را به یاد آورد و پند پذیرد؛ و دیگر اینکه ایشان باید ذکر می‌کردند که علاوه بر اینکه اندیشمندانی مانند کارل فیزیک‌دان انگلیسی که به جفت بودن ماده رسیده‌اند مفسران اسلامی نیز مسئله زوجیت اشیا را مطرح کرده و پذیرفته بودند.^۳؛ و حتی در مورد زوجیت گیاهان و همه اشیا صاحب تفسیر نمونه ذیل آیه ۳۶ سوره یس به این زیبایی نوشته است. آنچه مسلم است این است که «ازواج» جمع «زوج» معمولاً به دو جنس مذکر و مؤنث گفته می‌شود، خواه در عالم حیوانات باشد، یا غیر آن‌ها، سپس توسعه داده شده و به هر دو موجودی که قرین یکدیگر و یا حتی ضد یکدیگرند «زوج» اطلاق می‌شود، به‌رحال بعید نیست که زوجیت در اینجا به همان معنی خاص یعنی جنس «مذکر» و «مؤنث» باشد و قرآن مجید در این آیه خیر از وجود زوجیت در تمام جهان گیاهان و انسان‌ها و موجودات دیگری که مردم از آن اطلاعی ندارند می‌دهد. این موجودات ممکن است گیاهان باشد که وسعت دایره زوجیت در آن روز هنوز در آن‌ها کشف نشده بود. یا اشاره به حیوانات اعماق دریاها که در آن روز کسی از آن آگاه نبود و امروز گوشه‌ای

۱. اکتار عدنان، (هارون یحیی) اعجاز قرآن در پرتو ساینس و تکنالوژی معاصر، ص ۴۸.

۲. لقمان/۱۰.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۴.

از آن برای انسان‌ها کشف شده است. حتی وجود زوجیت در جهان گیاهان نیز چنان‌که گفتیم در عصر نزول قرآن در موارد خاصی مانند درختان نخل و امثال آن ناشناخته بود، و قرآن از آن پرده برداشت، و در قرون اخیر از طرق علمی این معنا به ثبوت رسید که مسئله زوجیت در عالم گیاهان یک مسئله عمومی و همگانی است.^۱

بنابراین تفسیر ارائه شده توسط هارون یحیی اولاً که جامع و کامل نیست ثانیاً اینکه قبل از ایشان مفسران اسلامی نیز در مورد زوجیت گیاهان و بلکه همه اشیا به آیات متعدد استدلال کرده‌اند. باین وجود هارون یحیی تفسیر علمی جدیدی از آیه شریفه ارائه نداده است بلکه گفته‌های دیگران را بدون ذکر سند و به اسم خود منتشر کرده است.

۳. اضرار صحنی گوشت خوک

هارون یحیی با استناد به آیه شریفه «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ»^۲ می‌گوید گوشت خوک اضرار زیادی برای صحت انسان دارد. با وجود تمام احتیاط لازم که با تکنالوژی معاصر ممکن است، از اضرار گوشت خوک جلوگیری شده نمی‌تواند. بدون در نظر داشت اینکه چگونه نگهداری می‌گردد. خوک طبیعتاً یک حیوان کثیف است. همیشه با مواد غایب خود بازی نموده و آن را می‌خورد. وی با ادله علمی ثابت می‌کند که گوشت خوک برای بدن انسان مضر بوده و به تجربه نیز این مطلب ثابت شده است. ایشان می‌گوید چاق زیاد مردم آمریکا و جرمنی ناشی از خوردن گوشت خوک است. در ادامه می‌گوید قرآن در قرن هفتم خوک را حرام اعلان نموده بود. در حالی که علم جدید در قرن بیستم دریافت که از نظر فیزیولوژی گوشت خوک با بدن انسان سازگار نیست، و هیچ نوع تعاملات طبی و بیولوژی معاصر از اضرار آن جلوگیری کرده نمی‌تواند. این است یک شاهد دیگر بر اعجاز قرآن و اثبات آن منحصت کلام‌الله.^۳

بررسی و نقد

۱. ناصر مکارم شیرازی، و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۷۴.

۲. بقره/۱۷۳

۳. اکتار عدنان، (هارون یحیی) اعجاز قرآن در پرتو ساینس و تکنالوژی معاصر، ص ۹۸.

در اینکه گوشت خوک برای بدن انسان ضرر داشته و پیامدهای خانمان‌سوز بی‌غیرتی و لایبالی‌گری و امراض دیگری را به همراه دارد مطلب درست و به‌جا است. اما اینکه فلسفه تحریم و علت تامه آن فقط به خاطر این بوده است که برای بدن ضرر دارد، اثباتش نیازمند ادله متقن‌تر است. لذا نمی‌توان این مطلب را به آیه استناد نمود که چون گوشت خوک برای بدن ضرر داشته، خداوند متعال آن را حرام کرده است بلکه صحیح آن است که بگوییم یکی از ادله تحریم می‌تواند ضررهای صحتی آن باشد. نکته دیگر اینکه هارون یحیی آیه را شاهد دیگر بر اعجاز قرآن دانسته است و حال آنکه اعجاز علمی قرآن یعنی رازگویی‌های علمی قرآن که در آیات به‌صورت واضح آمده‌اند و در زمان نزول آیه کسی از آن‌ها اطلاع نداشته و حتی مدت‌ها بعد از نزول آیه، مطلب علمی آن توسط دانشمندان کشف شده است.^۱ در صورتی که در شریعت حضرت موسی (ع) حرمت گوشت خوک نیز اعلام شده است، و در اناجیل گناهکاران به خوک تشبیه شده‌اند، و در ضمن داستان‌ها مظهر شیطان خوک معرفی شده است.^۲ بنابراین تحریم گوشت خوک نمی‌تواند دلیل بر اعجاز گویی قرآن کریم باشد.

۴. وزن ابرها

هارون یحیی در کتابش درباره وزن ابرها این چنین می‌گوید: وزن ابرها فوق‌العاده زیاد بوده می‌تواند. مثلاً ابرهای تولیدکننده رعد و برق حاوی سه صد هزار تن آب می‌باشد؛ و این حقیقت که کتله سه صد هزار تن معلق باقی بماند، حیرت‌آور است. توجه به سنگینی ابرها در آیه ذیل جلب گردیده است: «هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ»^۳ وقتی که قرآن نازل می‌شد، ناممکن بود که در مورد وزن ابرها مطالعه صورت گیرد این معلومات در قرآن دلیل دیگری به حقانیت وحی الهی است.^۴

۱. محمد علی رضایی اصفهانی، علوم قرآن ۲ (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی)، ص ۲۱۰.

۲. ناصر مکارم شیرازی، و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۶.

۳. رعد/ ۱۲

۴. اکتار عدنان، (هارون یحیی) اعجاز قرآن در پرتو ساینس و تکنالوژی معاصر، ص ۵۵.

بررسی و نقد

سحاب اسم جنس که مفرد آن سحابه است و ثقال جمع ثقیله به معنی سنگین است.^۱ و سنگین بودن نیز امر نسبی است زیرا چه به سا چیزی در نوع خودش سنگین باشد ولی در مقایسه با دیگری سبک و ابرها سنگین هستند به خاطر آبی که در آنها وجود دارد.^۲ سنگین بودن ابرها و ریزش باران از آنها یکی دیگر از دلایل قدرت و حکمت الهی است^۳؛ زیرا اوست که ابرهای سنگین را به وسیله آب و بخار آن خلق می‌کند و از زمین بالا می‌برد و در جو به حرکت در می‌آورد. گرچه به ظاهر، عوامل طبیعی زمینه پیدایش رعد و برق و باران است، ولی مبدء و موجد همه عوامل خداوند است.^۴ (قرائتی، ۱۳۸۳: ۶، ۲۰۱).

هارون یحیی با استفاده از معنای «السَّحَابَ الثَّقَالَ» سنگین بودن ابرها را به خاطر وجود آب در آن برداشت نموده مطلب درست و به جا است اما اینکه این را اعجاز علمی قرآن کریم نامیده است به نظر صحیح نیست زیرا اندیشمندان در آن زمان نیز می‌دانستند که ابرها حامل آب هستند بنابراین بهتر بود که ایشان این مطلب را جز شگفتی‌های علمی قرآن کریم که بر عظمت آن دلالت دارد ذکر می‌کرد.

۵. حیات میکروسکوپی

هارون یحیی در تفسیر علمی آیه «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ»^۵ (منزه است کسی که همه آن زوج‌ها را آفرید، از آنچه زمین می‌روبانند، و از خودشان و از آنچه نمی‌دانند) این چنین می‌نویسد: این آیات به زنده جان‌هایی اشاره می‌کند که مردم در زمان نزول قرآن نمی‌شناختند. بعد از اختراع

۱. محمود زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۵۱۸.

۲. محمد بن طاهر ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۱۲، ص ۱۵۶.

۳. فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۹، ص ۲۲.

۴. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۰۱.

۵. یس ۳۶/

میکروسکوپ، انسان‌ها قادر به دیدن موجودات بسیار کوچک گردیدند که قبلاً آن‌ها را نمی‌شناختند. در حالی که الله (ج) صدها سال قبل ما را متوجه گردانیده بود. انواع زنده جان‌های میکروسکوپیکی بیست مرتبه زیاده‌تر از مجموع حیوانات و نباتاتی که در روی زمین پراکنده‌اند، می‌باشند. این‌ها عبارت‌اند از باکتریا، ویروس، الجی، فنجی، پرازیت‌ها، ریکتسیا، اکارینا‌ها و غیره. موجودیت این‌ها نه تنها باعث امراض گردیده بلکه برای حفظ توازن حیات در زمین بسیار ارزشمند است. مثلاً فنجی‌های ریشه نباتات نقش مهم در انتقال منرالها از خاک به نباتات دارند. باکتریای موجود در زبان ما از زهرهای نایتريت موجود در سلاخ و گوشت ما را محافظه می‌کند. بعضی باکتریا و فنجی‌ها عملیه فوتوسنتیز را که عامل عمده حیات در روی زمین است، معاونت می‌کند. بعضی از اکارینا‌ها مواد عضوی را تجزیه کرده به مواد غذایی برای نباتات تبدیل می‌کنند؛ و اینهمه را ما توسط تکنالوژی معاصر دانسته ایم. در حالیکه موجودیت شان صدها سال قبل در قرآن ذکر گردیده بود. این هم یک اعجاز دیگر قرآن می‌باشد.

بررسی و نقد

با صرف‌نظر از اینکه مراد از (ازواج) مذکر و مؤنث است یا هر موجودی که قرین یکدیگر و یا حتی ضد یکدیگر و یا چیزهای دیگر. بحث اصلی در این آیه شریف در تفسیر «وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» است که آقای هارون یحیی آن را به موجودات میکروسکوپیکی معنا کرده است که در زمان نزول قرآن بدون داشتن این تکنالوژی شناخت موجودات ریز امکان‌پذیر نبوده و امروزه با پیشرفت علم الحمدلله شناخت حاصل گردیده است.

مفسران در تفسیر «وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» اقوال متعددی ذکر نموده‌اند. بعضی گفته‌اند: آنچه مردم نمی‌دانند عبارت است از مخلوقات که هنوز انسان از وجود آن‌ها خبردار نشده و یا از کیفیت پیدایش آن‌ها و یا از کیفیت زیادشدن آن‌ها اطلاع پیدا نکرده^۱ بعضی دیگر گفته‌اند با توجه به اطلاق آیه مراد موجودات که در آسمان‌ها و اعماق زمین بوده و انسان

۱. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۸۸.

از آن‌ها آگاهی ندارد.^۱ و بعضی دیگر از قبیل ابن عاشور چنین گفته‌اند: و إشارة قوله تعالى: «وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ إِلَىٰ أَسْرَارِ مَوْدَعُهُ فِي خَلْقِ أَنْوَاعِ الْحَيَوانِ وَأَصْنَافِهِ هِيَ الَّتِي مَيَّزَتْ أَنْوَاعَهُ عَنِ بَعْضِ وَ مَيَّزَتْ أَصْنَافَهُ وَ ذَكَرَهُ عَنِ إِنْائِهِ وَ أَوْدَعَتْ فِيهِ الرُّوحَ الَّذِي أَمْتازَ بِهِ عَنِ النَّبَاتِ بِتَدْبِيرِ شَوْؤُنِهِ عَلَيَّ حَسَبِ اسْتِعْدَادِ كُلِّ نَوْعٍ وَ كُلِّ صِنْفٍ حَتَّى يَبْلُغَ فِي الِارْتِقَاءِ إِلَى أَشْرَفِ الْأَنْوَاعِ وَ هُوَ نَوْعُ الْإِنْسَانِ، فَمَعْنَى «وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» مِمَّا لَا يَعْلَمُونَهُ تَفْصِيلاً وَ إِنْ كَانُوا قَدْ يَشْعُرُونَ بِهِ إِجْمَالاً، فَإِنَّ الْمَتَأَمَّلَ يَعْلَمُ أَنَّ فِي الْمَخْلُوقَاتِ أَسْرَاراً خَفِيَّةً لَمْ تَصِلْ أَفْهَامُهُمْ إِلَى إِدْرَاكِ كُنْهَيْهَا، وَ مِنْ ذَلِكَ الرُّوحِ.^۲؛ و برخی دیگر نیز گفته‌اند: مراد از «وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» أَى وَ الْأَزْوَاجِ مِمَّا لَمْ يَطَّلِعْهُمُ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ طَرِيقاً إِلَى مَعْرِفَتِهِ بِخُصُوصِيَّاتِهِ وَ إِنَّمَا أَطَّلَعَهُمْ سَبْحَانَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ بِطَرِيقِ الْإِجْمَالِ عَلَيَّ مِنْهَاجِ^۳ و قرشی نیز در تفسیرش گفته است مراد از «وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» این است که مقداری از نر و مادگی در جهان وجود دارد که تا ابد برای کسی روشن نخواهد شد.^۴

با توجه به احتمالات ذکر شده از سوی مفسران، تفسیری که آقای هارون یحیی از آیه شریفه ارائه نموده است نمی‌تواند دقیق و قطعی باشد بلکه درست آن بود که ایشان در حدّ یک احتمال می‌گفت ممکن است یکی از مصادیق «وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» موجودات میکروسکوپی باشد زیرا با توجه به اطلاق آیه و عدم وجود قرینه احتمالات دیگر نیز می‌تواند صحیح باشد.

۶. انقباض صدر در بلندی‌ها

انسان‌ها برای زیستن به آکسیجن و فشار هوا ضرورت دارند. تنفس گرفتن آکسیجن از هوا و رسانیدن آن به کیسه‌های هوایی در شش‌ها می‌باشد. هر قدر ارتفاع یک منطقه

۱. فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۶، ص ۲۷۵.

۲. محمد بن طاهر ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۲۲، ص ۲۲۷.

۳. ر.ک: سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۲، ص ۱۰؛ عبدالله بن عمر بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۴، ص ۲۶۸.

۴. سید علی اکبر قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۹، ص ۸۳.

زیادتر شود فشار هوا کم شده و جو زمین ناکثر می‌شود؛ بنابراین تنفس مشکل‌تر گردیده و مقدار اکسیجن رسیده به خون کم می‌شود. کیسه‌های هوایی شش‌ها انقباض نموده تنگ می‌شوند و ما فکر می‌کنیم که نفس گرفته نمی‌توانیم. علی‌ای حال اگر کسی پنج تا هفت و نیم هزار متر از سطح بحر بالا برود، از سبب مشکلات تنفس ممکن ضعف نموده و به کوما برود... این حقایق فیزیکی را که دانشمندان در عصر حاضر کشف نموده‌اند در آیه ذیل واضح گردیده است. «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ» (انعام: ۱۲۵) و هر کس را که خدا بخواهد راهنمایش کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام می‌گشاید و هر کس را که بخواهد (بخاطر اعمالش) در گمراهی‌اش وا نهد، سینه‌اش را تنگ می‌کند، گویا می‌خواهد در آسمان بالا برود.

بررسی و نقد

هارون یحیی با استناد به آیه ۱۲۵ سوره انعام مطلب عمیق و دقیق علمی را بیان نموده است زیرا امروزه ثابت شده که هوای اطراف کره زمین در نقاط مجاور این کره کاملاً فشرده و برای تنفس انسان آماده است، اما هر قدر به طرف بالا حرکت کنیم هوا رقیق‌تر و میزان اکسیژن آن کمتر می‌شود به حدی که اگر چند کیلومتر از سطح زمین به طرف بالا (بدون ماسک اکسیژن) حرکت کنیم تنفس کردن برای ما هر لحظه مشکل و مشکل‌تر می‌شود و اگر به پیشروی ادامه دهیم تنگی نفس و کمبود اکسیژن سبب بیهوشی ما می‌گردد، بیان این تشبیه در آن روز که هنوز این واقعیت علمی به ثبوت نرسیده بود در حقیقت از معجزات علمی قرآن محسوب می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵، ۴۳۶)

و نویسندگان غربی نیز گفته‌اند: أن هذا التعبير «يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ» يوحى بإعجاز القرآن لأن حالة الاختناق التي يشعر بها الإنسان الذي يصعد في السماء لم تكن مكتشفة في عصر النبي محمد صلى الله عليه وآله وسلم، لأنه لم يكن يملك تجربه حيه تؤكد هذه الحقيقة العلمية، التي لا يشعر بها إلا الذي يرتفع بعيدا في الفضاء. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۹، ۳۲۱)

نتیجه

از مجموع مطالب جستار شده در وبسایت و کتب هارون یحیی، دانسته شد که وی برای اثبات اینکه قرآن کریم از جانب خداوند لایزال نازل شده و خارج از توان انسان‌ها بوده - و قبل از اینکه بشر نسبت به حقایق برخی از علوم آگاهی داشته باشد، مطالب عمیق و دقیق علمی در آن ذکر شده است - به آیات متعدد تمسک بسته و کتاب تحت عنوان اعجاز قرآن کریم تألیف کرده است. وی برای اثبات مدعی خود از علوم مختلف مانند: پزشکی، کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی، روان‌شناسی، هواشناسی و... در تفسیر آیات بهره بسته است؛ و این از نقاط قوت کتاب وی محسوب می‌شود و طبق ادعای خود ضد تفکرات الحادی، ماتریالیزم، فراماسونری، داروینیزم گام‌های اساسی برداشته است. همچنین فهمیده شد که ایشان هرچه را که قرآن کریم راجع به علم ذکر کرده باشد آن را معجزه دانسته و تصریح کرده است که این از معجزات علمی قرآن کریم است و حال آنکه معجزه بودن خود شرایط و ضوابط خاص خودش را دارد. به عبارت دیگر ایشان اشارات علمی، شگفتی‌های علمی و نظریه‌پردازی‌های علمی را نیز تحت عنوان اعجاز علمی قرآن کریم ذکر نموده است. یکی دیگر از نقدهای که می‌توان به کتاب‌های ایشان از جمله اعجاز قرآن وارد دانست این است کمتر به کتب تفسیر و اقوال دیگر مفسران و اندیشمندان قرآن‌پژوه، توجه نموده و بیشتر برداشت‌های شخصی خویش را معیار و ملاک فهم و درک قرار داده و آنچه را که به ذهنش رسیده چه صواب و چه ناصواب نوشته است لذا کمتر می‌توان اقوال دیگران را در منابع اش مشاهده کرد؛ و دیگر اینکه در برخی موارد خود را به تکلف انداخته است تا بحث علمی را با قرآن تطبیق دهد یعنی از قرآن برایش مؤید بگیرد مانند: تفسیر «مالا یعلمون» به موجودات ریزی که از طریق میکروسکوپ قابل شناسایی هستند.

منابع

- قرآن کریم؛ با ترجمه: محمد علی رضایی اصفهانی و همکاران، قم، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دار الذکر، اول ۱۳۸۳ ش.
۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، بيروت، مؤسسه التاريخ العربی، اول ۱۴۲۰هـ-۲۰۰۰م.
 ۲. اکتار عدنان، (هارون یحیی) اعجاز قرآن در پرتو ساینس و تکنالوژی معاصر، ترجمه دکتر محمد فرید آسمند، بی جا، بی جا، ۱۳۸۵ ش.
 ۳. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
 ۴. بیضاوی عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت، اول ۱۴۱۸ق.
 ۵. رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن
 ۶. عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی ۱۴۲۰ق.
 ۷. راغب اصفهانی، محمد بن حسین، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی ۱۳۷۴.
 ۸. رضائی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، قم، انتشارات کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش.
 ۹. _____ علوم قرآن ۲ (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی)، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، چاپ اول: ۱۳۹۲).
 ۱۰. زمخشری محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
 ۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

۱۲. طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۴. عروسی، حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اساعیلیان ۱۴۱۵.
۱۵. فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ق.
۱۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۱۷. قرشی سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
۱۸. کرمی، حویزی محمد، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم، چاپخانه علمیه، ۱۴۰۲ق.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۲۰. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، طبعه دار الکتب الحدیثه، الطبعة الثانية، ۱۳۹۶هـ ۱۹۷۶م.
۲۱. امین الخولی، مناهج التجدید فی النحو و البلاغه و التفسیر و الادب، بی تا، بی نا.
۲۲. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۲۳. رومی، فهد بن عبدالرحمان، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، ریاض، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۲۴. وب سایت شخصی هارون یحیی، www.harunyahya.com